

اوقایع اتفاقیه

شماره چهارم

مرداد ماه

۱۴۰۰



اوقایع اتفاقیه



ماهنامه ی فرهنگی-اجتماعی

انجمن علمی دانشجویی علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا (س)

شناسنامه

صاحب امتیاز:

انجمن علمی دانشجویی
علوم اجتماعی دانشگاه
الزھرا (س)

مدیر مسئول و سر دبیر:
مہدیہ احمدی

ویراستار:

زینب سادات حسینی فر

صفحہ آرا:

زھرا زائری



فهرست



- ۵ طرح چاقو کشی بر حقوق کاربران
- ۸ مایع حیات خوزستان
- ۱۰ زنده باد جنایت کار
- ۱۲ تحلیلی بر فیلم پدر
- ۱۴ تغذیه قشر ضعیف در محاصره
گرانی
- ۱۵ چالش های سالخوردگی



مهدیه احمدی
مدیر مسئول سردبیر نشریه ی
وقایع التفافیه و دبیر
انجمن علمی دانشجویی علوم
اجتماعی دانشگاه الزهرا(س)

با عرض سلام خدمت همراهان ارزشمند و گرامی امیدواریم در این وانفسای نفس گیر اوقات مساعدی را سپری کنید .

ما در انجمن علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا ، با یاری خداوند منان و اندک دانشی که در باب جامعه شناسی تاکنون اندوخته ایم، تلاش داریم تا مجموعه ای درخور برای مخاطبین گرامی فراهم کنیم و همچنین بازخوردی دهیم به وقایع و اتفاقات پیرامون تا کمی رسالت خود به عنوان دانشجویان کنشگر را محقق سازیم و بتوانیم صدای خود را به جامعه برسانیم.

آنچه انسان را آماده ی شکوفایی میکند ابتدا درک دیگران و توجه به حال مردم است ما در فرهنگ جامعه شناسی بی تفاوتی را امری عرضی و عمدتا ناهنجار می شماریم.

اما آنچه اهمیت دارد همراهی و همدلی تمامی افراد جامعه برای پیشبرد مسائل و آگاهی سازی است.

می گوییم تا شاید کارساز باشد...
پشاپیش برای زمانی که اختصاص می دهید به مطالعه ی فایل پیش رو از شما همراهان گرامی کمال تشکر را داریم
مشتاقانه در انتظار شنیدن انتقادات و نظرات شما عزیزان هستیم

ارادتمند

مهدیه احمدی



طرح چاقو کشی بر حقوق کاربران



با پدیده ای مواجه هستیم که از زوایای مختلف میتوان به آن ایراد گرفت. از یک طرف در زمانی کاملاً نامناسب، زمانی که مردم خوزستان زیر آتش، گلو پاره می‌کنند برای مطالبه سطحی ترین حقوقشان، زمانی که مردم می‌نالند از قطعی برق و اقتصاد از هم گسیخته شان، زمانی که مردم دنیا در ورطه جنگ با ویروسی، از قربانی شدن نجات یافته اند و مردم ما همچنان عزیزانشان را غریبانه دفن می‌کنند، زمانی که روز به روز گسل طلاق عاطفی مردم با سیاست گذاران عمیق و عمیق تر می‌شود، در این روزگار متلاطم، نوید متلاشی شدن اینترنت همه جا می‌پیچد!

مبنا صوفی

اینترنتی که نه فقط راه ارتباط مردمانیست که بعد از دو سال اصرار برای محبوس ماندن در منزل، همچنان قربانی ویروس شدن را گردن رعایت نکردن های این مظلومان می اندازند، بلکه راه کسب روزی شان است! از طرفی متن این طرح به قدری تفسیر پذیر و نادقیق است که هرگونه برداشتی از آن ممکن و قابل اجراست. از یک طرف دیگر، می گویند آنچه تصویب شده تنها اصل هشتاد و پنجی شدن این طرح است و در ادامه باید در کمیسیون مورد بازبینی قرار بگیرد. موضوع اینجاست که مخاطب عام از کجا باید بداند اصل هشتاد و پنجی چیست؟ آنچه در ذهن مخاطب عام جا افتاده التهاب از دست رفتن آزادی اش است! چرا باید همین تصویب در زمانی انجام

بگیرد که رئیس مجلس و حدود هشتاد نفر از اعضا در جلسه حضور ندارند؟ چه ضرورتی دارد این طرح در زمانی مطرح و پیگیری شود که دولت رو به اتمام و دولت جدید با ساختار و ترکیب وزرای جدید قرار است روی کار بیاید؟ اگر به مسئولین بر می خورد از شان توقع «توضیح» می رود، بفرمایند با واژه «تشریح» و «روشنگری» مزاجشان خوش می آید؟ تشریح دقیق آنچه برای مردم طراحی کرده اید و موسوم به طرح صیانت از حقوقشان است، آیا جزو وظایف هیچ یک از آن چند موافق تلقی نمی شود؟ طبق قانون اساسی، مجلس جز در موارد ضروری نمی تواند قانون گذاری را به شخص یا هیاتی دیگر واگذار کند؛ بزرگواران، در شرایط کنونی مملکت موضوع برجسته تر و ضروری تر از ولنگاری فضای مجازی وجود ندارد؟

اجرای شدن طرح صیانت
از فضای مجازی مجلس چه نتایج خواهد داشت؟

Etamadonline.com
@EtamadOnline

- مسدود شدن هر نوع خدمات اینترنتی خارجی
- مسدود شدن سرویس های گوگل، اینستاگرام و...
- مسدود شدن آپدیت های ویندوز، اندروید و سایر نرم افزارها
- اجبار مردم به استفاده از پیامرسان داخلی بی کیفیت
- از دسترس خارج شدن اپلیکیشن های خارجی
- تعمیلی کسب و کارهای خانگی و تجاری فعال در اینترنت
- به خطر افتادن حریم خصوصی کاربران
- احراز هویت کاربران اینترنت





صیانت شود؟ چه تلقی از مفهوم کاربر در اذهان نویسندگان این طرح وجود دارد؟ آیا زوال کسب و کارهای خرد، سلب حقوق کاربر تلقی نمی‌شود؟ کاربرانی که مدام از بسترهای متفاوت کوچانده می‌شوند و سالها دوندگی می‌کنند برای جذب مخاطب، اینها باید دوباره از صفر شروع کنند؟ نقش کاربران در فضای مجازی به مانند نقش ستون‌های یک عمارت، حیاتی است. در طرح مذکور کاربران فضای مجازی که درصد قابل توجهی از مردم این مملکت هستند، به مثابه جانداران بی اراده و سست عنصری تلقی شده اند که جاندار با اراده و باشعوری موظف به صیانت و هدایتشان است. این به اصطلاح ولنگاری زیست بوم مجازی در کشورمان که در حوزه رسانه تسخیر شده، با قانون‌گذاری‌هایی که صرفاً زاینده محدودیت هستند حل نمی‌شود. مشکلات زیست بوم مجازی باید با راهکارهای جامعه‌شناسانه تحلیل شود نه اینکه مهندسان فنی و حقوقدانان به طراحی پوسته‌ای تو خالی برای آن برخیزند!

گفته میشود قصد فیلتر پلتفرم‌های مهمی چون اینستاگرام وجود ندارد. با وجود موانعی که در چارچوب فرایند طراحی شده یافت میشود، آیا اساساً سرانجام این ماجرا به چیزی جز مسدودسازی ختم می‌شود؟ بله درست می‌فرمایید مشخصاً چیزی فیلتر نمیشود؛ فقط با محدود کردن پهنای باند، طاقت کاربران به ستوه می‌آید تا خودشان ترک بستر کنند! اصلاً فرض بگیریم رویای بومی‌سازی پلتفرم‌هایی در سطح و تراز پلتفرم‌های خارجی محقق شود، آیا این تحقق به زیرساخت احتیاج ندارد؟ آیا کوچاندن کاربران در یک یا دو سال آینده به بسترهای بومی که آمادگی ندارند، حمایت از این بسترهاست یا پوست موز انداختن زیر پایشان؟ باز هم فرض می‌گیریم حمایت کردید و موفق شدید، آیا در آن پلتفرم‌های بومی میتوان شاهد اخباری در نقد حاکمیت بود؟ آیا میتوان از دزدی‌های اشخاص بلند مرتبه مملکت و یا اعتراض بهمان گروه مردمی مطلع شد؟ اصلاً قرار است از حقوق چه کسانی

تا قبل از امروز هر زمان که صحبت از چیزی میشد که با پول قابل خریداری نیست یکی از گزینه های ما هوا و آب بود اما امروز ما شاهد کم بود آب و مشکلاتی که این کم آبی به همراه دارد در خوزستان و سایر شهر ها مثل ریزگرد ها در شرایط سخت کرونا و اجبار به داشتن ماسک ها هستیم. به گزارش راهبرد معاصر؛ در شرایطی که حدود ۱۱ شهر استان خوزستان در بحران خشکسالی و بی آبی قرار دارند، ۶۶۰ روستا فاقد لوله کشی آب و کل روستاهای استان با ۷۸ تانکر سیار آبرسانی می شوند، گزارش ها و ویدئوهای منتشره در شبکه های اجتماعی نشان می دهد پنجشنبه و جمعه (۲۴ و ۲۵ تیرماه) در برخی از شهرها در استان خوزستان تجمعات در اعتراض به بحران آب برگزار شد. حمیدیه، شادگان، سوسنگرد و منطقه زرگان اهواز از مناطقی بودند که تعدادی از اهالی نسبت به عدم تامین حق آبه تالابها و رودخانه ها و همچنین پروژه های انتقال آب کارون اعتراض کردند. کم آبی با وجود بی برقی، گرما و کرونا مردم نجیب خوزستان را کلافه کرده و به حق انتظار دارند مسئولان بیش از پیش به مطالبات آنها توجه کنند. مردم خوزستان که هشت سال در خط مقدم دفاع مقدس حضور داشتند به خوبی نسبت به احتمال سواستفاده عناصر ضدانقلاب و اغتشاشگر از تجمعات اعتراضی آنها واقفند، اما امروز تنها راه رساندن صدای خود به مسئولان را حضور در خیابان می دانند. حضوری که علیرغم تحریک عناصر معاند داخلی و رسانه ها بیگانه، هیچگاه شعاری

علیه حاکمیت تاکنون از آنها شنیده نشده و آنچه فریاد می زنند تنها مطالبه ای به حق و درخواست توجه مسئولان به بحران کم آبی در این استان است. مشکل کم آبی استان خوزستان مشکل جدید نیست این بحران سال هاست که با مردم مظلوم خوزستان همراه است و هیچ پیگیری جدی ای از طرف دولت برای برطرف کردن این مشکل صورت نگرفته است حتی به نظر می رسد که در صورت پیگیری نشدن این مشکل خشکسالی به دلیل عدم برنامه ریزی دقیق و زیربنایی، در آینده ای نه چندان دور به یکی از مهمترین بحران ها کشور تبدیل خواهد شد. جالب است بدانیم که استان خوزستان دارای ۵ رود پر آب ایران (کارون، کرخه، اروند، دز، بهمنشیر) امروز از مشکل کم آبی رنج می برد. اما علت عمده بحران کم آبی در استان خوزستان به تعبیر کارشناسان، به انتقال آب از سرچشمه های این استان به نقاط مرکزی کشور و احداث سدهای زیاد در مناطق بالادستی رودخانه های کرخه و کارون است. به نحوی که بر روی حوضه کرخه، کارون، مارون و جراحی در مجموع ۱۷۰ سد احداث شده، که ۷۰ سد آن در کارون است؛ در بالادست کرخه در کرمانشاه ۱۵ سد و در ایلام بیش از ۱۰ سد ساخته شده که به اذعان صاحب نظران و کارشناسان آب هیچ کدام این سدها نباید ایجاد می شد و یا نیازی به ساخت آنها نبوده است. چند سال پیش هم شاهد ریز گرد هایی بودیم که نفس مردم خوزستان را به تنگ آورده بود و در فصل های گرم سال مشکلات بسیاری را به همراه داشت. سال هاست که کسی صدای مردم خوزستان را نشنیده است

و درد های آنها به گوش مسئولین نرسیده است ، گناه مردم خوزستان چیست که حتی برای اساسی ترین نیازها مشکل دارند؟ پیگیری هایی هم در این زمینه انجام شده است . روز شنبه ۲۶ تیر ماه رئیس جمهور منتخب مردم آقای سید ابراهیم رئیسی برای حل مشکلات مردم خوزستان با نماینده ی ولی فقیه و استاندار خوزستان تماس گرفت. به نقل از روابط عمومی دفتر رئیس جمهور منتخب، آقای سید ابراهیم رئیسی شنبه در تماس های تلفنی جداگانه ای با حجت الاسلام سید عبدالنبی موسوی فرد نماینده ولی فقیه در خوزستان و امام جمعه اهواز و قاسم سلیمانی دشتکی استاندار خوزستان گفتگو کرد. در این تماس ها ، رئیس جمهور منتخب در جریان آخرین مسائل و اوضاع این استان به ویژه موضوع خشکسالی و کم آبی قرار گرفت. همچنین بنا بر این شد که تیمی از سوی رئیس جمهور منتخب، مأمور بررسی دقیق و همه جانبه مسائل و موضوعات استان شده و گزارش خود را به حجت الاسلام رئیسی ارائه کند.

دکتر حسن روحانی، با اشاره به تصویب اعتبار برای کمک به حل بحران آبی ناشی از خشکسالی استان خوزستان از سوی دولت، به سازمان برنامه و بودجه کشور دستور داد اعتبار اختصاص یافته به استان فوراً و به صورت ۱۰۰ درصد مبلغ مصوب، تخصیص داده شود. معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، از اختصاص اعتبار یک هزار و ۱۵۰ میلیارد تومانی برای رفع مشکلات خوزستان در مورد بی آبی خبر داد. به گفته محمدباقر نوبخت، اعضای هیات دولت با اعتبار یک هزار و ۱۵۰ میلیارد تومانی برای رفع مشکلات خوزستان موافقت کردند که ۵۰ درصد آن، همین امروز (یکشنبه، ۲۷ تیر) از سوی سازمان برنامه و بودجه کشور تخصیص داده شده است. هیاتی به نمایندگی از دولت و با همراهی نمایندگان سایر قوا، با سفر به استان خوزستان، گزارشی از مشکلات این استان در شرایط شیوع ویروس کرونا به ویژه کم آبی، در جلسه امروز هیات دولت ارائه نمود. امید است که پیگیری های لازم و قابل اجرا در جهت رفع مشکل کم آبی مردم خوزستان در دولت منتخب جدید صورت گیرد .

یکی از این فجایع فرهنگی «فرزندکشی» است که نه به دیروز و امروز مربوط است و نه قانون بازدارنده‌ی آن است. قانون در این زمینه نه تنها به اندازه‌ی کافی از قدرت بازدارندگی برخوردار نیست؛ بلکه وجود قوانینی چون قانون مجازات اسلامی بر شدت و حدت این جنایت نیز می‌افزاید. قانونی که مجازات قتل عمد را تنها در صورتی قصاص می‌داند که جنایتکار پدر و از اجداد پدری مجنی نباشد، بستر بسیاری از خشونت‌های خانگی و نگاه‌های انگارانه به فرزند را به وجود می‌آورد. نگاه مالکانه به فرزند هم از فرهنگ سنتی ایران به جامعه نیمه مدرن امروزی‌اش منتقل شده و هم از شریعت و عرفی که منبع قانون اساسی در کشور می‌باشد نشأت گرفته است.

آنگاه که قانون سوءاستفاده‌ها را پیش‌بینی نکند، بیشترین سوءاستفاده‌ها رخ می‌دهد. و اگر قانون خود سرآغاز سوءاستفاده‌ها بشود، جنایاتی در دل آن متولد می‌شود که انسانیت را به ازاله می‌کشاند. چرا که قانون هم مخلوق تفکر آدمی است و هم خالق تربیت او. قانون مجوز رفتارهای فردی و اجتماعی اشخاص را صادر می‌کند و مجموع این رفتارها، فرهنگی را می‌سازد که تداوم آن به بازتولید دوباره و دوباره‌ی همان قانون منجر می‌گردد. پس می‌توان به وجود یک رابطه دیالکتیکی بین فرهنگ سنتی و قانون پی برد. دو پدیده‌ی مذکور با توجه به این رابطه‌ی دوسویه و متقابلی که دارند؛ یکدیگر را تقویت کرده



زنده باد جنایتکار فاطمه عباسی

قانونی که کاشفان حجاب غیر اختیاری را بیشتر از مزهقان حیات فرزند، مجازات تعیین می‌کند و سقط جنین در رحم مادر را گناه نابخشودنی زن می‌داند اما در مورد پدر استثنائات حقوقی را در نظر گرفته و جنایت را در لفافه‌ی عدالت مخفی می‌کند. فرهنگ سنتی در جامعه‌ی ما با ابراز مفاهیمی چون «ناموس»، «آبرو» و «غیرت» به پرورش تفکری می‌پردازد که قادر به پذیرش تفاوت‌ها نیست. تفکری که اگر مطابق آن عمل نشد، با روش‌های مختلفی سعی در همگون‌سازی می‌کند و چنانچه موفق به همگون‌سازی تفاوت‌ها نشود به حذف آن‌ها مبادرت می‌ورزد.

و بروز یک واقعه در فرهنگ حتی اگر دلخراش، خوفناک و قبیح باشد باز هم توسط قانون حمایت می‌شود. یکی از این فجایع فرهنگی «فرزندکشی» است که نه به دیروز و امروز مربوط است و نه قانون بازدارنده‌ی آن است. قانون در این زمینه نه تنها به اندازه‌ی کافی از قدرت بازدارندگی برخوردار نیست؛ دو پدیده‌ی مذکور با توجه به این رابطه‌ی دوسویه و متقابلی که دارند؛ یکدیگر را تقویت کرده و بروز یک واقعه در فرهنگ حتی اگر دلخراش، خوفناک و قبیح باشد باز هم توسط قانون حمایت می‌شود.

در چنین شرایطی قانون باید به عنوان یک سیستم فراگیر برقرارکننده عدالت ظاهر شود. به تمامی اقشار و افراد با انواع گرایش‌های فکری، سیاسی، مذهبی، جنسی و... ضمانت تأمین حیات، سلامت و آزادی داده و با تعیین مجازات مناسب از هرگونه آسیب احتمالی به آنها جلوگیری کند. اما قانون در جمهوری اسلامی ایران سالهاست با انواع تبعیض‌ها عجین گشته و تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ را به فراموشی سپرده و این فراموشی تبعاتی چون **عاطفه نویدی، رومینا اشرافی، بابک خرم‌دین و علیرضا فاضلی منفرد** را در پی داشته است.

یقیناً به جز بازنگری، اصلاح و ایجاد لوایح جدید نمی‌توان انتظار دیگری از قانون داشت و نجات را تنها در تغییر باید جست‌وجو کرد. ایجاد تغییرات فرهنگی نیز اگر با تغییرات قانونی صحیح و واقعی نه تغییرات اسمی چون «لایحه رومینا» همگام شود، آنگاه می‌توان به کاهش خشونت‌های خانگی امیدوار بود و آینده‌ای امن و دور از خشم را متصور شد.

۱. آلبر کامو

۲. سوره نساء آیه ۵۸

تحلیلی بر فیلم «پدر»

مبینا صوفی



یکی از معانی «حقیقت»، «آن چیزی که باید باشد» هست. در مقابل «واقعیت» را «چیزی که هست»، معنی کرده‌اند. در این صورت واقعیت و حقیقت در مواردی مشترک هستند و در مواردی غیر مشترک.

در سینما زوایای نگاه متفاوت هستند. گاهی کارگردان می‌خواهد شما صحنه‌ها را از جایگاه دوربین و به عنوان یک شاهد ببینید. گاهی قرار بر این است که فیلم را از زاویه دید خود ببینید. گاهی هم کارگردان مایل است که شما فیلم را از جایگاه کاراکتر اصلی فیلم تماشا کنید!





البته افرادی هستند مانند آنتونی که به قدری از واقعیت جاری زندگی دور می‌افتند که نه تنها در زمان گم می‌شوند، بلکه حقیقتی را شکل می‌دهند که واقعی نیست. مرتضی مطهری در کتاب «انسان کامل» به نکته‌ای اشاره می‌کند، «وقتی تحمل مصائب بر انسان سخت می‌شود، روان برای خلاصی از شر غصه‌ها، عقل را خلاص می‌کند.» آنتونی فیلم «پدر» نیز سختی‌های بسیاری پشت سر گذاشته بود. از جمله از دست دادن دخترش در اثر تصادف که رابطه عمیق‌تری با او داشت. در نهایت نیز فیلم با یک پایان دراماتیک به ما می‌فهماند در گذار روزگار، ما انسان‌ها به مثابه درختان سبزی و طراوت خود را از دست داده و زرد خواهیم شد و این همان «رنج» است!



ما در فیلم پدر قرار نیست شاهد دردهای آن پیرمرد باشیم، ما قرار است آشفتگی و سردرگمی که پیرمرد به آن مبتلا است را لمس کنیم. اتفاقی که در سرتاسر فیلم می‌افتد (به جز صحنه آخر) مواجه شدن ما با «حقیقت» های در درون آنتونی است. اما در صحنه آخر ما شاهد «واقعیت» زندگی آنتونی هستیم، چرا که خانه‌ای که در طول مدت فیلم می‌بینیم در واقع وجود ندارد و آنتونی تمام مدت در آسایشگاه به سر می‌برد. اما ما جهان را از چشم‌های او می‌بینیم و نه آنچه در واقعیت هست. گواه این موضوع آن صحنه‌ای است که موسیقی در حال پخش در فیلم وقتی آنتونی هدفون را در آورد متوقف شد. این گونه فیلم‌ساز می‌خواهد به ما بگوید ما در ذهن آنتونی هستیم.



فیلم «پدر» همچنین دارای نمادها و استعاره‌های قابل توجهی است. مثل تعداد زیادی در و راهروی تنگی که بارها در خانه می‌بینیم. درها میل به فرار به بیرون و رهایی از آن وضع آشفته و دردآور را به آنتونی و ما که فیلم را از زاویه او می‌بینیم القا می‌کند. راهرو تنگ متبادر کننده فشار روانی و ذهنی آنتونی است.

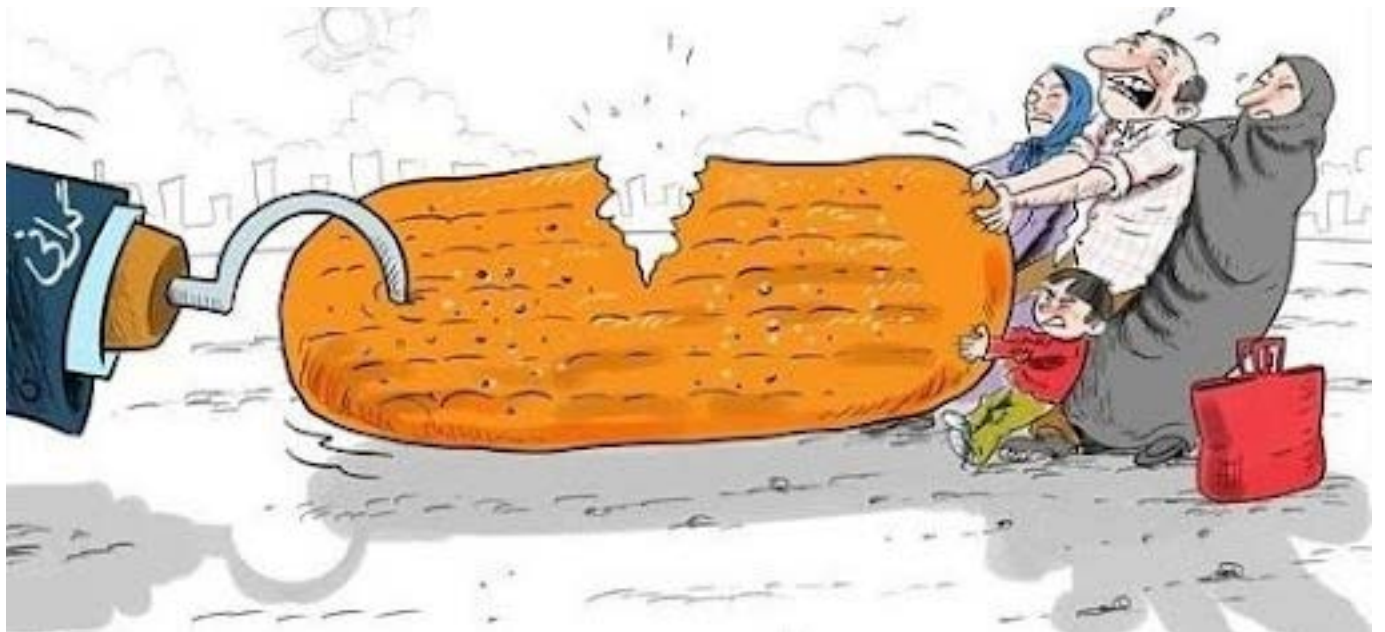


در محاصره گرانی

همین طور مصرف لبنیات، در نتیجه اگر هر کدام از واحدهای غذایی روزانه مصرف نشود و یا حتی کم شود سلامت افراد در دراز مدت به خطر می‌افتد، اگر مردم یک جامعه در ابتدایی‌ترین نیاز خود یعنی خوراک دچار مشکل باشند، به هیچ وجه آن جامعه را نمی‌توانیم جامعه سالمی بدانیم.

تغذیه ارتباط مستقیم با سلامت افراد دارد، همان طور که گفته می‌شود عقل سالم در بدن سالم است، بدن هر انسانی روزانه باید میزان مشخصی از مواد غذایی را دریافت کند، با توجه به سن افراد نیاز آن‌ها به مواد غذایی تغییر می‌کند؛ برای مثال نوجوانان به علت قرار گرفتن در سن رشد به مواد غذایی سرشار از ویتامین نیاز دارند

امروزه با توجه به وضعیت بد اقتصادی، نوسان شدید قیمت‌ها وضعیت قشر ضعیف بیش از پیش وخیم‌تر شده، گرانی همه جنبه‌های زندگی افراد جامعه را تحت تأثیر قرار داده از جمله تغذیه، تغذیه که یکی از نیازهای اساسی فرد در زندگی است که توسط وضعیت اقتصادی نشانه گرفته شده،



می‌کنند. پس تغذیه مناسب و درست و دریافت واحدهای مشخص روزانه اعم از پروتئین، ویتامین، سبزیجات، میوه و... می‌تواند تأثیر بسزایی در کیفیت زندگی ما داشته باشد.

که ارزش غذایی پایینی دارد و برای سلامتی مضر است، برای مثال با افزایش قیمت بسیار بالای برنج‌های ایرانی، مردم به جا استفاده از برنج‌های نامرغوب را جایگزین برنج‌های مرغوب کردند و محصول آن به خطر افتادن سلامتی آن‌ها است. تغذیه نامناسب و ناکافی روی سلامتی یک نسل و یک جامعه اثرات مخرب و منفی می‌گذارد. به گفته آرورا؛ غذاها، بدن، ذهن، خلق و خو و روح ما را تغذیه

گرانی در کل کشور مردم را از زندگی معمولی هم محروم کرده طبق گزارشاتی که وجود دارد، سعید اکبری از عرضه کنندگان مواد غذایی در شیراز نیز از افزایش قیمت ۴۰ درصدی لبنیات و مواد شوینده، ۱۵ درصدی حبوبات، ۷۰ درصدی قیمت برنج و روغن و سایر اجناس خود خبر داده است. مردم در شرایط گرانی نمی‌توانند جنس خوب و با کیفیت مصرف کنند، در نتیجه به مواد غذایی درجه دو که رو می‌آورند



زهرا قادر

چالش های سالخوردگی:

پنجره جمعیتی روبه بسته شدن است.

شرایط و ساختار موجود در کشور متأسفانه با لبه خطر آفرین آن مواجه شده‌ایم. در واقع یکی از مهم ترین مسائل مربوط به این موضوع به سال‌های سالخوردگی این حجم زیاد جمعیت برمی‌گردد. اگرچه حالا سهم سالخوردگان در کشور کم‌تر است ولی باید گفت که این سهم رو به رشد و افزایش است. لزوم برنامه‌ریزی برای کنترل مسائل مربوط به این گروه از جمعیت مثل تهیه دارو و درمان و نگهداری و مراقب و... بیش از پیش احساس می‌شود.

به لحاظ جمعیت‌شناسی این وضعیت مثل تیغ دولبه می‌ماند که یک طرف آن موهبت است به شرط استفاده از این حجم از وجود سرمایه تولید کننده، و از طرفی خطر آفرین است به این لحاظ که ایجاد فرصت شغلی و دیگر مسائل برای این حجم از نیروی تولید کننده دشوار خواهد بود. در مورد ایران، خبر خوب آن است که تقریباً از سال‌های اوایل دهه هشتاد وارد این وضعیت مهم جمعیتی شدیم و خبر بد آن که به خاطر

در گیر و دار رشد مسائل و آسیب‌های مختلف در کشور، این بار اما بحران جدیدی روبه شکل‌گیری است. لازم است ابتدا مسئله را دقیق‌تر و موشکافانه‌تر توضیح دهیم. «پنجره جمعیتی» از مسائل بسیار مهم و تاثیرگذار در زمینه جمعیت‌شناسی است. به وضعیتی که در آن نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال به کمتر از ۳۰ درصد کل جمعیت می‌رسد و نسبت جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر هنوز کمتر از ۱۵ درصد است، پنجره جمعیتی یا فرصت جمعیتی می‌گویند.



در واقع باید گفت رشد جمعیت سالمند در کشور احتیاج به سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های راهبردی جدیدی دارد که ضمن نتیجه درست و کار ساز با منابع و وضع موجود نیز سازگار باشد. چالش‌هایی که این قشر از جمعیت با آن روبه‌رو هستند سوای مسائل مربوط به زمینه‌های اقتصادی و درمان و پزشکی مسائل امنیت روانی آنان را نیز باید مورد توجه قرار داد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به روند رو به افزایش شکاف بین نسل جوان و سالمند اشاره کرد به نحوی که روز به روز این دو نسل با یکدیگر غریبه‌تر می‌شوند. از دیگر مسائل آن است که مشارکت این قشر پر تجربه در سطح اجتماع رو به کاهش است و کمتر شاهد حضور فعالانه آنان در جامعه هستیم. از طرف دیگر شاهد افزایش هسته‌ای شدن خانواده‌ها هستیم که این موضوع خود مسائل مختلفی را در بر می‌گیرد. این مسائل همه باعث می‌شوند که سالمندان احساس امنیت کمتری در جامعه داشته باشند و از کیفیت زندگی روانی و اجتماعی آنان کاسته شود. جدای از این دست مباحث، متأسفانه در کشور ما مشکل تامین اجتماعی

و بیمه از معضلات جدی است و چون اغلب سالموردگان با بیماری‌های فیزیکی و زمینه‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند، هزینه درمان و مراقبت از آنان برای خانواده‌هایشان بسیار زیاد است. مسئله سالموردگی و چالش‌های آن فقط مخصوص کشور ما نبوده، و بررسی چالش‌های آن و راهکارها و پیشنهادات در سیاست‌گذاری‌های کشورهای شامل تمام سالموردگان در سراسر جهان می‌شود. در آوریل سال ۱۹۹۵ سازمان جهانی بهداشت برنامه قبلی خود را تعویض کرد و برنامه سلامت و سالموردگان را ارائه داد که مشتمل بر رویکردهای مفید و کارساز بود. برخی رویکردها به تشریح مقاله آقای حق شناس به شرح زیر است: «رویکرد چرخه زندگی: که به جای جداسازی مراقبت‌های بهداشتی از کارافتادگان بر چرخه زندگی متمرکز به سالمندی تأکید دارد. ترویج و گسترش بهداشت با تمرکز بر سالموردگی فعال: از لحاظ فیزیکی، اجتماعی و روانی. از آغاز زندگی تا پایان عمر. فرصت‌ها و زمینه‌های متعددی برای بهبود و تقویت وضعیت سلامتی افراد در مسیر مسنتر شدن باید ایجاد شود و می‌بایست به نحو شایسته‌ای

افراد سالمند مورد حمایت محیطی (فیزیکی و اجتماعی) قرار گیرند. رویکرد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: توجه شایسته به این واقعیت که زمینه‌هایی که افراد در آن‌ها زندگی می‌کنند نقش کلیدی در بهداشت و رفاه حال آن‌ها دارد. رویکرد جنسی: تشخیص تفاوت‌های مهم و اساسی در بهداشت زنان و مردان و شیوه‌های زندگی آن‌ها، و اینکه آن‌ها در اواخر عمر بیشتر باید مورد حمایت قرار گیرند، از موارد ضروری است. رویکرد بین نسلی با تأکید بر استراتژی‌هایی جهت حفظ انسجام و پیوستگی بین نسل‌ها: در این زمینه باید گفت فرهنگ سالمندی، ایجاد یک انسجام و همبستگی بین جوانان و سالمندان است. رویکرد اخلاقی: تقویت درک و فهم مسائل اخلاقی همانند حقوق انسانی، تسریع یا تأخیر ناشایسته و غیره؛ اخلاقی مرگ. رویکرد جامعه محور: در سراسر جهان، حتی در جوامع ثروتمند، اکثریت افراد سالمورده در اجتماع زندگی میکنند. در سطح اجتماعی، مهم‌ترین مسائل آن‌ها ناشی از چگونگی برقراری ارتباط با اجتماعشان است.»

در آخر باید گفت که مسئله سالخوردگی جمعیت و چالش‌های آن از دیگر مسائل مهم و حیاتی در کشور است که احساس نیاز شدید به آن هنوز آنقدر حس نمی‌شود ولی زنگ خطر آن به صدا درآمده است.

فلذا باید جدی گرفت که سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی در این راستا در وهله اول تنظیم و در مرحله دوم اجرا شود. برای این مهم مشارکت نهادهایی مثل نهاد بیمه و تامین اجتماعی، سازمان بهداشت و سلامت الزامی است تا قدری از چالش‌های این نسل با تجربه و سرمایه‌گونه کشور، حل شود. همانا آبادانی در گرو داشتن مردمانی با تفکر آبادی است.

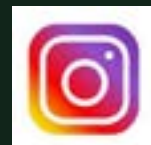




قصه نیستم که بگویی...
نغمه نیستم که بخوانی...
صدا نیستم که بشنوی...
یا چیزی چنان که ببینی...
یا چیزی چنان که بدانی...

من درد مشترکم
مرا فریاد کن
دستانت را به من بده
دست های تو با من آشناست.....

زیرا که من
ریشه های تو را یافته ام
زیرا که صدای من
با صدای تو آشناست



Sociology-Alzahra



Sociology-Alzahra